اخلاق و منش مهندس مهدی بازرگان

صدر حاج سیدجوادی، احمد



1-بازرگان،از مردان نیک تاریخ

این مختصری‏ست برای گرامی‏داشت یاد و خاطره‏ی یکی از مردان نیک تاریخ معاصر ایران،یعنی مرحوم مهندس مهدی بازرگان‏ که در دی ماه 1373 به رحمت خدا رفت.گفتم از مردان نیک تاریخ‏ ایران،قولی‏ست که جملگی برآنند،یعنی دوست و دشمن درباره‏ی‏ اخلاق،رفتار خصوصی و اجتماعی این رادمر مسلمان واقعی، نتوانستند کم‏ترین عیبی متوجه او کنند.بنده در این وجیزه از اخلا و منش آن بزرگوار،مختصری معروض می‏دارم.

2-اخلاق و منش اخلاقی چیست؟

اساسا اخلاق و منش اخلاقی چیست؟افعال انسانی مجموعا یا کردار طبیعی و غریزی‏ست که لازمه‏ی زندگی و جلب نفع برای وجود انسان و دفع ضرر از خود می‏باشد که این اعمال همان کردار مشترک‏ حیوانی‏ست،یا افعال انسانی و اخلاقی که فوق کردارهای طبیعی‏ست‏ و بستگی تام به سرشت و طینت انسانی دارد که اولا با خدا و ثانیا با خود و ثالثا با خودی و رابعا با بیگانه چه‏گونه رفتار کند.

من وارد بحث فلسفی«السعید سعیدّ فی بطن امه و الشقی شقیّ‏ من بطن امه»نمی‏شود که در تأیید آن سعدی می‏گوید:«تربیت نااهل‏ را چون گردکان بر گنبد است».

شخصا هم با این ضابطه موافق نیستم.ولی آن‏چه مسلّم است، خلقت آدمی از دو نظر،یکی جنبه‏ی افلاکی که«و نفخت فیه من‏ روحی»و دیگری ساختار جسمی او از گل بویناک«من صلصال من‏ ماء مسنون»قابل تردید نیست و افرادی را می‏بینید که جنبه‏ای‏ افلاکی آن‏ها کاملا برجسته،آشکار و بسی بیش از ساختار خاکی‏ آن‏هاست.

3-روح افلاکی مهندس بازرگان

مرحوم مهدی بازرگان از آن نوع افرادی بود که همواره در کلیه‏ی‏ مراحل زندگی،روح افلاکی او بر جنبه‏ی خاکی‏اش برتری درخشان و چشم‏گیری داشت.فضایل اخلاقی او بر همه آشکار بود و هیچ‏گاه در مقام فریب،نیرنگ و تزویر با دیگران نبود که ظاهری آراسته و پوششی مردم فریب،ولی باطنی ناخواسته و ضدّ بشری داشته باشد که:

در برابر،چو گوسپند سلیم/در قفا،هم‏چو گرگ مردم‏خوار!

نه او چنین نبود که معلم اخلاق باشد و کلمات ناروا و ناصواب،حتا ناسزا که این روزها در روزنامه‏ها می‏خوانید که معلمین اخلاق به زبان‏ آورده،بیان می‏کنند(بر خلاف دستور ویل لکل همزه لمزه)بر زبان‏ آرد.

در طول سی سال معاشرت با مهندس مهدی بازرگان،من کلامی‏ خلاف اخلاق و ناجور از ایشان نشنیدم.ظاهر و باطن او یکنواخت بود.

دکتر احمد صدر حاج سید جوادی‏ وزیر پیشین کشور و دادگستری

من این‏گونه افراد را به کتاب تشبیه کرده‏ام که ظاهر همان گوید که در باطن دارد.مرحوم مهندس بازرگان،مردی خلیق و متواضع و یک‏ مسلمان واقعی بود.با افراد فرادست یا فرودست،دارای یک روش‏ اخلاقی بود،نه دوگانه،یعنی متواضع و فروتن بود که فرمود:«و بشر المخبتین-به فروتنان بشارت ده».(قرآن مجید،سوره‏ی حج،آیه‏ی 34)

او در طول زندگی خود،ظرفیت والایی هنگام اشتغال در پست‏های متفاوت از خود نشان داد.خیلی از افراد را دیده‏اید که به‏ محض انتصاب در سمت بالایی،به قول خودمانی خدا را بنده نیستند و می‏گویند که«این منم طاووس علیین شده».این رفتار،شایسته‏ای‏ انسان شرافتمند نیست که رفتارش تغییر کند و در ارضای خودخواهی‏ خود باشد،مهندس هیچ‏گاه چنین نبود.

مرحوم مهندس بازرگان هنگامی که در جمع دوستان نظری ابراز می‏کرد و حاضران آن را با استدلال و به اکثریت آرا رد می‏کرد،با روی‏ باز می‏پذیرفت و کم‏ترین امتناعی نداشتند و نیز اگر اشتباهی می‏کرد و به او با منطق و دلیل تذکر داده می‏شد،با خوش‏رویی تمام قبول‏ می‏کرد و دلگیر نمی‏شد.شک نیست که ما در مقام مطلق‏گرایی و فردپرستی مثل دیگران که(برای جلب منفعت)نظر بعضی‏ها را روحی‏ الهی می‏دانند،نیستیم و اذعان می‏داریم که ممکن است در اعمال و افکار مهندس اشتباهاتی هم بوده باشد،ولی آن‏چه مسلّم است،این که‏ از جنبه‏ی افلاکی،اخلاق و منش،مهندس جزء افراد کمیاب محسوب‏ می‏گردید.